

بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکیه

محسن جان‌پرور^۱

فرید عباسی^۲

چکیده

سیاست خارجی عبارت است از یک سری استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. به طور خلاصه می‌توان گفت سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی پنجره‌ای است که از طریق آن هر واحد سیاسی، آرمان‌ها، ارزش‌ها و منافع را در ارتباط با بازیگران مختلف در محیط پیرامون و با توجه به موقعیت‌های متعدد پیگیری می‌نماید. بر این مبنای دو کشور ایران و ترکیه نیز به دنبال دستیابی به منافع خود در صحنه بین‌الملل و در ارتباط با یکدیگر هستند. در این راستا، جهت بررسی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکیه، تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با هدف کاربردی صورت گرفته است. داده‌های مورد نیاز برای این تحقیق در قالب داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد که منابع مورد نظر از طریق جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از کتاب‌ها، مقالات و نشریات جمع‌آوری گردیده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان داد که جمهوری اسلامی ایران برای بسط و گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود با ترکیه بر اساس زمینه‌های مشترک جدید و با مبنای قرار دادن جهت‌گیری عمل‌گرایانه تلاش کرده است.

کلید واژه‌ها: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه

۱. استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: faridabbasi@mail.um.ac.ir

بیان مساله

سیاست دولتها اصولاً یا به امور داخلی مربوط می‌شود یا به امور بین‌المللی؛ اصطلاح سیاست خارجی در مقابل امور داخلی به کار می‌رود. در خصوص سیاست خارجی به تعریف‌های زیادی بر می‌خوریم، بدون اینکه این تعریف‌ها تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند و تقریباً همه‌ی آنها به یک مفهوم اشاره دارند. بنابراین می‌توان چنین بیان نمود که سیاست خارجی عبارت است از یک سری استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. به طور خلاصه می‌توان گفت سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه‌ی بین‌المللی از سوی دولتها انجام می‌پذیرد. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولتها باشد (مقتدر، ۱۳۸۵؛ جعفری هفتخوانی و اشتریان، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، سیاست خارجی پنجره‌ای است که از طریق آن هر واحد سیاسی، آرمان‌ها، ارزش‌ها و منافع را در ارتباط با بازیگران مختلف در محیط پیرامون و با توجه به موقعیت‌های متعدد پیگیری می‌نماید (غریب‌زندی، ۱۳۹۲: ۸۶). دو بازیگر جمهوری اسلامی ایران و ترکیه نیز از این تعریف مستثنی نبوده و دارای موضع‌گیری‌هایی در قبال یکدیگر هستند. هر کدام از این دو بازیگر به دنبال دستیابی به اهدافی مشخص در چارچوب منافع ملی خود هستند که سبب پیدایش تفاوت در زمینه جهت‌گیری و نقش ملی شده است. به طور کلی، ترکیه در جست و جوی ائتلاف اروپایی محور با نقش دولت رهبر منطقه، حافظ منطقه، میانجی و پیوند دهنده است. اما جمهوری اسلامی ایران همچنان به دولت الگو و مدافع باوری خاص به همراه جهت‌گیری نبود تعهد، وفادار است. در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این سوال هستیم که سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکیه چگونه است؟

پیشینه تحقیق

نبی‌الله رشنو در کتابی با عنوان «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» که در سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات آوای دانش گستر منتشر شده است، در فصول چهارم و پنجم به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این کتاب اشاره می‌شود که در دهه‌های اخیر روابط میان ایران و ترکیه دارای فراز و فرودهای گوناگونی بوده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت ترکیه به صورتی کاملاً محتاطانه با مراقبت کامل از علایق قدرت‌های غربی، سعی در بهره‌برداری‌های سیاسی و استراتژیک در تنظیم روابط گوناگون با جمهوری اسلامی ایران داشته است.

فاطمه ابهر با راهنمایی جانسیز در پایان نامه‌ای با عنوان «قدرت یابی اسلام سیاسی در ترکیه و تاثیرات آن بر مناسبات منطقه‌ای ایران و جمهوری ترکیه» که به سال ۱۳۹۰ نوشته شده است چنین بیان می‌دارد که مجموعه تحولات سیاست‌های خارجی جمهوری ترکیه در سال‌های گذشته باعث بهبود در مناسبات بین دو کشور شده است. در این باره می‌توان به توسعه دادن همکاری‌های امنیتی بین دو کشور، توسعه‌ی همکاری استراتژیک بین دو کشور، افزایش مناسبات اقتصادی و همچنین توسعه مناسبات و روابط دیپلماتیک اشاره نمود.

تورج افشون با راهنمایی حمید احمدی در پایان نامه‌ای تحت عنوان «روابط ترکیه و اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران (با تاکید بر دهه ۱۹۹۰)» که در سال ۱۳۸۱ نگاشته شده است، در این پایان نامه اشاره می‌شود که بررسی روند مناسبات ایران و ترکیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر فراز و نشیب‌های فراوانی است و در واقع نخبگان حاکم در ترکیه با اتخاذ «سیاست‌های غیردوستانه توأم با منفعت طلبی» در برابر ایران جهت دست‌یابی به اهداف اقتصادی و سیاسی خود در منطقه همواره ایران را به عنوان خطری بالقوه علیه آنکارا دانسته‌اند. علی‌رغم اشتراک منافع دو کشور در زمینه‌های مختلف، دو کشور منافع متعارض در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، سیاسی و ایدئولوژیک دارند.

مصطفی خیری و همکاران مقاله‌ای تحت عنوان «مسئله کردها و روابط ایران و ترکیه (۲۰۱۶-۲۰۲۰)» در سال ۱۳۹۶ در فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و روابط بین‌الملل منتشر کرده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، همکاری و اتحاد گروه‌های جدایی طلب کرد یعنی پ.ک.ک و پژاک از یک طرف و شکل‌گیری دولت نیمه مستقل کرد در شمال عراق و در مجاورت مرزهای ایران و ترکیه از طرف دیگر، آنکارا و تهران را به اتحاد و همکاری در مبارزه با گروه‌های جدایی طلب سوق داده است.

لیلا براتی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «پیوستگی امنیتی و بحران‌گریزی در روابط ایران و ترکیه» که در سال ۱۳۹۶ در پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل منتشر شده است با استفاده از نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نشان می‌دهد که ایران و ترکیه به دلیل مجاورت و نزدیکی جغرافیایی دارای مشابهت‌هایی در سیاست جغرافیایی خود هستند، از سال ۱۳۱۰ به بعد با برطرف کردن اختلافات مرزی روابط خود را تنظیم کرده‌اند، همسویی ایدئولوژیک از قرن بیستم به بعد بین دو کشور وجود داشته و نیز دارای ریشه‌های تاریخی طولانی در روابط خود هستند. به نظر نویسندگان این مقاله وجود دو قوم ترک و کرد در دو سوی مرزها می‌تواند باعث برقراری ارتباط موثر بین دو کشور شود. آن‌ها در پایان نتیجه می‌گیرند که روابط ایران و ترکیه در دهه‌های گذشته افت و خیزهایی داشته، اما در بدترین شرایط هم برای مدت طولانی بحرانی نمانده و دو کشور تلاش کرده‌اند به همکاری و گسترش همکاری‌ها روی آورند.

گوکهان چتین سایا و سید اسدالله اطهری در مقاله‌ای تحت عنوان «ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه» که در سال ۱۳۸۵ در فصلنامه مطالعات خاورمیانه منتشر شده است چنین بیان می‌کنند که بررسی تاریخی روابط ترکیه و ایران دو جریان عمده را نشان می‌دهد. یکی همکاری سیاسی، اقتصادی و تا حدی نظامی است. دیگری جریان عدم توافق و مبارزه است که معمولاً ناشی از اختلافات مربوط به اقلیت‌ها (کردها، آذری‌ها و تا حدودی ارمنه) و مخالفان (معمولاً ایرانیان ساکن ترکیه) است. با نگاهی به تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر می‌توان گفت آینده روابط ایران و ترکیه احتمالاً همچنان تحت تاثیر همین موضوعات شکل می‌یابد.

حمید احمدی و فهیمه قربانی در مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه» که در سال ۱۳۹۳ در فصلنامه روابط خارجی منتشر شده است به تضادهای ساختاری میان ترکیه و ایران اشاره می‌کنند. مهم‌ترین تضادهای ساختاری موجود عبارت‌اند از: موقعیت جغرافیایی دو کشور، اقلیت‌ها، تفاوت‌های مذهبی و الگوهای سیاسی متمایز. بنیادهای اصلی روابط مصالحه جویانه میان ایران و ترکیه عبارت‌اند از: حفظ ثبات منطقه‌ای، همکاری‌های امنیتی و اقتصادی. به عقیده نویسندگان، با وجود تضادهای ساختاری و تفاوت دیدگاه‌های دو کشور، بعضی منافع همسان با یکدیگر را نیز دارند که درجه‌ای از همکاری‌ها را تقویت می‌کند و از تشدید کشمکش‌های بین آن‌ها می‌کاهد.

بهروز مختاری و حمیدرضا منتظری در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه» که در سال ۱۳۹۱ در فصلنامه تاریخ روابط خارجی منتشر شده است، پس از بررسی تاریخچه روابط ایران و ترکیه در دهه‌های گذشته، اشاره می‌کنند که مناسبات دو کشور ایران و ترکیه همواره توأم با درگیری و همبستگی بوده است. در بررسی تاریخی روابط دو کشور نتیجه می‌گیرند که دو عامل سیاست و قدرت، نقشی بسیار تعیین کننده در همگرایی و واگرایی و تعامل یا تقابل در روابط دو کشور در دوره‌های گوناگون تاریخی ایفا کرده‌اند. بدین معنی که سیاست‌های اعمالی بر اساس مولفه‌های قدرت در هر کشور در این دوره‌ها، بر میزان، کیفیت و کمیت واگرایی‌ها و همگرایی‌ها در روابط ایران و ترکیه تاثیر به سزایی داشته است.

حاکم قاسمی و آرام حسن‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه: ادامه همکاری اقتصادی در سایه رقابت‌های سیاسی» که در سال ۱۳۹۳ در دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی منتشر شده است، پس از مروری بر روابط سیاسی ایران و ترکیه، نتیجه می‌گیرند که این دو کشور در بستر تحولات خاورمیانه مسائل و تضاد منافع دارند. اما اشتراکات موجود در مواضع به رغم وجود برخی از اختلافات و وابستگی متقابل دو کشور موجب می‌شود این تضادها و اختلافات نتواند روابط دو کشور را به سوی تخریب پیش ببرد. دولت ایران بعد از انقلاب اسلامی به شکل بندی مناسبات و تعاملات با کشورهای مختلف پرداخت و الویت بندی‌های جدیدی را شکل داد که کشور ترکیه از کشورهایی با اولویت بالا در مناسبات در نظر گرفته شد.

اصغر جعفری ولدانی و اعظم سلامتی در مقاله‌ای با موضوع «بررسی عملکرد حزب عدالت و توسعه بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای ترکیه و ایران (۲۰۰۳-۲۰۱۲)» که در سال ۱۳۹۲ در فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌الملل منتشر شده است با بررسی روابط دو جانبه‌ی ترکیه و ایران در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، نتیجه می‌گیرند با وجود اینکه سیاست ایران در برابر ترکیه بر مبنای مدارا و تعامل بوده است و همواره سعی نموده از بحرانی شدن روابط دو کشور جلوگیری نماید اما دولت ترکیه علی‌رغم تکرار سخنانی مانند اهمیت مناسبات دوستانه با ایران و تاکید بر تلاش آنکارا بر استمرار و گسترش روابط دو کشور، چنین به نظر می‌رسد که این کشور اهمیت را صرفاً در حوزه روابط اقتصادی خود مد نظر قرار داده است.

سهند شهبازی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «تاثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه» که در سال ۱۳۹۷ در فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام منتشر شده است چالش‌ها و فرصت‌های روابط ایران و ترکیه را بیان می‌کنند. در ادامه بیان می‌کنند که در طول تاریخ روابط ایران و ترکیه دستخوش تغییرات عدیده‌ای بوده است. در برخی دوران‌ها روابط آنها نزدیک‌تر شده و در برخی مواقع نیز دچار تضاد بوده و سردی روابط را به همراه داشته است. همسایگی دو کشور ج.ا. ایران و جمهوری ترکیه و قرار داشتن آن‌ها در یک منطقه‌ی جغرافیایی و نیز جایگاه قدرتمند دو دولت در منطقه، عرصه‌های رقابت بر سر قدرت و رسیدن به جایگاه برتر منطقه‌ای را هموار کرده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با هدف کاربردی صورت گرفته است. داده‌های مورد نیاز برای این تحقیق در قالب داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد که منابع مورد نظر از طریق جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از کتاب‌ها، مقالات، نشریات و سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای و بر مبنای تحلیل کیفی است.

یافته‌ها

اصول سیاست خارجی ایران

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی بر پایه اصول، شرایط و قواعدی انجام می‌گیرد که بر اساس ضرورت‌های ساختاری کشورها بوده و از سوی دیگر تامین‌کننده منافع ملی و امنیت ملی کشور باشد. هر تصمیمی در حوزه روابط خارجی باید معطوف به تولید امنیت، منافع و اقتدار ملی برای کشور باشد. بر این اساس دولت‌ها مجموعه‌ای از اصول را سرلوحه فعالیت‌ها و مناسبات خارجی خود قرار می‌دهند که حاکی از حاکمیت نوعی گفتمان خاص بر سیاست خارجی یک دولت در دوره‌ای معین است (علوی، ۱۳۹۲). بر اساس اسناد رسمی، به ویژه قانون اساسی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارت است از:

۱- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، عزت:

از اصول مهم و اولیه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نفی و طرد کامل هرگونه سلطه، ستمگری و ستم‌پذیری است. جمهوری اسلامی باید در سیاست خارجی خود از مناسبات و روابط مبتنی بر سلطه اجتناب نماید، به گونه‌ای که عزت و احترام کشور و ملت در عرصه‌ی بین‌المللی حفظ و افزایش یابد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت هر دو وجه این اصل و قاعده کلی را در اصل ۱۵۲ بیان کرده است (منصور، ۱۳۸۸: ۸۳؛ آخوندی، ۱۳۹۲؛ خالقی بایگی و همکاران، ۱۳۹۸).

۲- ظلم ستیزی، عدالت خواهی و استکبار زدایی:

در اصل دوم و سوم قانون اساسی، آشکارا بر نفی هرگونه ستمگری و ستم‌پذیری (نفی نظام سلطه) و (طرد کامل استعمار و استکبار) تاکید شده است (عمادی، ۱۳۹۹؛ منصور، ۱۳۸۸: ۲۶).

۳- حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی بخش:

این اصل لازم و مکمل استکبار زدایی و ظلم ستیزی است. جمهوری اسلامی، به موازات مبارزه با استکبار و استعمار، خود را موظف به حمایت از مستضعفان جهان و جنبش‌های آزادی بخش می‌داند که با مستکبران و استعمارگران نبرد می‌کنند. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران ... از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان است» (عمادی، ۱۳۹۹).

۴- حمایت و دفاع از مسلمانان:

مطابق اصل ۱۵۲ قانون اساسی، جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت اسلامی «بر اساس تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان... متعهد به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان است». از نظر جمهوری اسلامی ایران، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان در سه سطح عملی است. نخست، در سطح امت و جهان اسلام مانند حمایت و پشتیبانی از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی بخش؛ دوم، پشتیبانی و دفاع از مسلمانانی که در حال مبارزه با کفار برای احقاق حقوق خود هستند مانند حمایت از مسلمانان افغانستان، لبنان و ...؛ سوم، دفاع از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی مانند مسلمانان چین در روپسه (دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

۵- همزیستی مسالمت آمیز و صلح طلبی:

قانون اساسی در اصل ۱۵۲ بیان می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس ... روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». اصل چهاردهم هم تصریح می‌کند: «دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی رفتار نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند».

۶- عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل:

یکی از اصول نظری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرهیز از دخالت در امور و شئون داخلی کشورهای دیگر و احترام متقابل است به گونه‌ای که اصل ۱۵۴ قانون اساسی بیان می‌دارد «جمهوری اسلامی ایران متعهد به ... خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر است» (عمادی، ۱۳۹۹).

همچنین بر اساس مبانی نظری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عملکرد نظام سیاسی حاکم شاید بتوان به طور نسبی و به موجب یک روش استقرایی، اصول و مبانی زیر را نیز برای سیاست خارجی ایران قایل شد:

- ترجیح دادن ملت‌ها به دولت‌ها در روابط بین‌المللی
- ترجیح دادن نهضت‌ها بر دولت‌ها در روابط بین‌الملل
- مبارزه با اسرائیل و دفاع همه جانبه از نهضت اسلامی فلسطینی
- ضدیت و مبارزه با آمریکا
- قائل نبودن به سطوح قدرت در میان کشورها
- مخالفت با سیستم وتو در سازمان ملل
- اعتقاد به قابل تفکیک بودن روابط خارجی اقتصادی از روابط خارجی سیاسی
- تاکید و اجرای همه‌جانبه استقلال سیاسی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری
- ترجیح دادن اعتقادات بر منافع اقتصادی و تجاری در روابط دوجانبه
- فاصله استراتژیک از قدرت‌های بزرگ و منافع و سیاست‌های آن‌ها
- اهمیت دادن به عدالت سیاسی در روابط میان دولت‌ها (سریع‌القلم، ۱۳۸۸).

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به دو دسته ملی و فراملی تقسیم می‌شوند. اهداف ملی معطوف به حفظ و افزایش ارزش‌هایی است که ضرورت و فوریت دارد و در چهارچوب مرزهای ملی و قلمرو سرزمینی تعیین می‌یابد. اهداف فراملی از ماهیت انقلاب اسلامی و هویت اسلامی جمهوری اسلامی نشأت می‌گیرد و ناظر پیگیری و تامین ارزش‌هایی در خارج از مرزهای سرزمینی ایران جهت شکل دادن به محیط خارجی و نظم بین‌المللی است.

اهداف ملی

۱- حفظ امنیت ملی و موجودیت کشور:

مهم‌ترین، حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین هدف سیاست خارجی، حفظ موجودیت و تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. طبق اصل ۱۵۲ قانون اساسی «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس حفظ تمامیت ارضی کشور استوار است». همچنین، اصل ۹ قانون اساسی بیان می‌دارد «حفظ

تمامیت ارضی ایران، وظیفه دولت و آحاد ملت است» (آخوندی، ۱۳۹۲).

۲- حفظ حاکمیت ملی و استقلال:

طبق اصل ۲ قانون اساسی، حاکمیت ملی یکی دیگر از عناصر و مولفه‌های دولت جمهوری اسلامی و استقلال خواهی یکی از محورها و اهداف اصلی انقلاب اسلامی است. «جمهوری اسلامی نظامی است ... که استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ... را تامین می‌کند (آخوندی، ۱۳۹۲).

۳- کسب و افزایش قدرت ملی:

تحقق و تامین کلیه اهداف سیاست خارجی، مستلزم داشتن حداقلی از قدرت ملی است. بر همین اساس در رایج‌ترین مفهوم، قدرت ملی به صورت توانایی یک کشور در دستیابی به اهداف و ایجاد نتایج مطلوب تعریف می‌گردد.

اصل ۳ قانون اساسی بیان می‌دارد «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف، همه‌ی امکانات خود را برای تقویت کامل بنیه دفاع ملی به کار برد». همچنین مطابق اصل ۱۵۱، دولت موظف است کلیه امکانات را برای دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی به کار گیرد (ابهر، ۱۳۹۰).

۴- توسعه و رفاه اقتصادی:

طبق اصل ۳ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، همه امکانات خود را، برای پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محدودیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و بیمه به کار گیرد. همچنین، در اصل ۴۴ تصریح شده است «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است تا موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد». چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی نیز رشد اقتصادی، فناوری و علمی کشور را یک هدف مستقل سیاست خارجی تعریف و تعیین کرده است (ابهر، ۱۳۹۰).

۵- کسب اعتبار بین‌المللی:

کسب اعتبار و وجهه مثبت بین‌المللی یکی دیگر از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که همواره سعی بر آن داشته است تا اعتبار و پرستیژ بین‌المللی لازم را به عنوان یک کشور موفق، مسوولیت‌پذیر و نمونه کسب کند و افزایش دهد. تامین این هدف از نظر نظام جمهوری اسلامی در سه مرحله صورت می‌گیرد. نخست، خنثی‌سازی تبلیغات و تصاویر غیرواقعی ارائه شده از سوی دشمنان و مخالفان انقلاب اسلامی. دوم، ارائه تصویر مثبت از جمهوری اسلامی در انظار و افکار عمومی بین‌المللی. سوم، نمونه‌سازی و الگوبرداری از جمهوری اسلامی (دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

اهداف فراملی

۱- حفظ کیان اسلام:

در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، یکی از اهداف تشکیل شورای عالی امنیت ملی را، در کنار تامین منافع ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی ذکر می‌کند. اصل ۱۵۰ نیز یکی از وظایف سپاه پاسداران را نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن ذکر می‌کند (ابهر، ۱۳۹۰).

۲- صدور انقلاب:

صدور مسالمت آمیز انقلاب اسلامی به سه شیوه و روش تحقق می‌یابد. حمایت معنوی و غیر نظامی از نهضت‌های آزادی بخش، الگوپردازی و ارائه دولت سرمشق از جمهوری اسلامی، تبلیغات. اصل ۱۵۴ قانون اساسی بر حمایت مسالمت‌آمیز از مبارزات ملت‌های محروم و مستضعف تصریح می‌کند «جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». همچنین در مقدمه قانون اساسی آمده است که «وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد» (ابهر، ۱۳۹۰).

۳- وحدت جهان اسلام:

اصل ۱۱ قانون اساسی چنین بیان می‌دارد که «همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیری به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» (شجاعی، ۱۳۸۹).

سیاست‌ها و خط مشی‌های کلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس سند چشم‌انداز:

برنامه چشم‌انداز توسعه بیست ساله ایران (۱۳۸۴ الی ۱۴۰۴) که کلیت سیاست‌های کلان نظام و اهداف کشور را در ابعاد داخلی و خارجی ترسیم نموده و مراحل تصویب را طی کرده، وظیفه توسعه پایدار و جذب منابع خارجی را به عهده رئیس جمهور و دولت وی قرار داده است (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷). این برنامه شامل اصول زیر است:

۱- رعایت اصل خودباوری و استغنا در تعاملات سیاسی و دیپلماتیک

۲- پرهیز از انفعال در سیاست خارجی

۳- برخورد علمی در طرح و اجرای سیاست خارجی

۴- توسعه و تعمیق روابط با کشورهای دیگر بر اساس منافع ملی

۵- تحکیم امنیت ملی از طریق تعامل با سایرین و انعقاد قراردادهای دو یا چندجانبه امنیتی و نظامی

- ۶- داشتن همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف تحکیم موقعیت منطقه‌ای کشور، ارتقاء نقش کشور در روابط بین‌الملل، افزایش توان ملی با استفاده از امکانات و فرصت‌ها، مقابله با اقدامات توسعه طلبانه قدرت‌ها و مبارزه با تهدیدات جهانی شامل تروریسم، مواد مخدر و ... و کاهش فشارها و تهدیدات
- ۷- اعتمادسازی و تنش‌زدایی
- ۸- تقویت سازمان کنفرانس اسلامی و غیر متعهدها در تصمیم‌گیری جهانی
- ۹- مبارزه با جهان تک قطبی و اصلاح ساختار نظام بین‌الملل
- ۱۰- نقش سازنده در حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
- ۱۱- حمایت از مستضعفان و مظلومان
- ۱۲- کمک به تحکیم قدرت اقتصادی کشور
- ۱۳- کمک به اشتغال‌زایی در کشور از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های دو و چند جانبه با سایر کشورها
- ۱۴- هماهنگی بین روابط اقتصادی خارجی و سیاست فرهنگی برون مرزی
- ۱۵- گسترش تعامل با سایر فرهنگ‌ها و ملت‌ها
- ۱۶- گسترش زبان و ادبیات فارسی به عنوان بستر گسترش فرهنگ اسلامی
- ۱۷- کمک به توسعه روابط فرهنگی، علمی، آموزشی
- ۱۸- بهره‌گیری از امکانات رسانه‌ای جهت تبیین اهداف جمهوری اسلامی و مقابله با تهدیدات تبلیغاتی رسانه‌ای دشمن
- ۱۹- و ... (علوی، ۱۳۹۲؛ اکرمی‌نیا، ۱۳۹۲).

بحث و نتیجه‌گیری

روابط ایران و ترکیه همواره ترکیبی از رقابت و همکاری، ولی باثبات بوده است. اغلب، دلیل این ماهیت متعارض، وضعیت ژئوپلیتیک متفاوت دو کشور قلمداد شده، ولی هم‌زمان، ژئواکونومی نیز نقش مهمی در این زمینه در گذشته و حال ایفا کرده است. به لحاظ ژئوپلیتیک دو کشور در یک چهارراه حیاتی در منطقه اوراسیا قرار دارند و روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها با هم و با سایر کشورهای این منطقه شکل‌دهنده تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این منطقه بوده است. همچنین دو کشور ضمن نزدیکی با دو قاره مهم آسیا و اروپا در کنار پنج منطقه جغرافیایی مهم و بی‌ثبات خاورمیانه، قفقاز، بالکان، آسیای میانه و منطقه تحت قاره‌ای آسیای جنوبی قرار دارند. روابط دو کشور ریشه‌های عمیق تاریخی، فرهنگی و مذهبی دارد که عاملی تعیین‌کننده در ماهیت روابط دو کشور است. هر دو کشور، میراث‌دار امپراطوری‌های هژمونیک تاریخی هستند که همواره در طول هم در حال رقابت و درگیری بوده‌اند. علاوه بر ابعاد سنتی روابط دو کشور و با وجود تضادهای ساختاری، جنبه‌های جدیدی در طول سال‌های گذشته بروز یافته است که ناشی از نیازهای متغیر دو کشور به موازات تلاش آن‌ها

برای دستیابی به توسعه اقتصادی و فناوری‌های مدرن بوده است. برخی منافع هم‌پوشان، همکاری‌های میان دو کشور را تقویت کرده و از تشدید رقابت‌ها کاسته است؛ از جمله روابط اقتصادی در حال گسترش که تداوم و تقویت روابط سیاسی میان آن‌ها را نیز تسهیل کرده است (غائبی، ۱۳۹۵).

با این مقدمه، می‌توان گفت، بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، سه حوزه منطقه و همسایگان، دنیای اسلام، و جهان به عنوان اولویت برای سیاست خارجی کشور تعیین شده‌اند. در اولویت نخست، ایران قصد دارد به قدرت نخست منطقه تبدیل شود. در اولویت دوم، هدف، الگوسازی الهام بخش است و در اولویت سوم، تعامل سازنده با جهان برای تامین منابع لازم برای اولویت نخست، هدف است و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تنش زدایی، اعتماد سازی، چندجانبه گرایی، دیپلماسی فعال و سازنده، توسعه محوری، ظلم‌ستیزی و حق طلبی اصولی هستند که از طریق آن‌ها باید شرایط امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تمرکززدایی و تعامل منطقه‌ای تقویت شود و در سطح منطقه‌ای، سیاست خارجی ایران باید مبتنی بر همکاری با کشورهای باشد که با آن‌ها دارای منافع مشترک است (عسگریان، ۱۳۹۱).

موقعیت تاریخی- تمدنی، ژئوپلیتیک و سیاسی-امنیتی ایران در نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به گونه‌ای است که اتخاذ رویکردهای مختلفی را در عملیاتی کردن این اصول گریزناپذیر می‌کند. رویکردهای اصلی در منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران عبارت‌اند از: رویکرد جغرافیایی و ژئوپلیتیک، رویکرد فرهنگی- تاریخی، رویکرد ایدئولوژیک و سیاسی- امنیتی و رویکرد عمل‌گرایانه که در طول دهه‌های گذشته، سیاست خارجی ایران در ایجاد تعادل بین این رویکردها دچار چالش بوده است (برزگر، ۱۳۸۸).

برخی چالش اصلی سیاست خارجی ایران را ایجاد تعادل بین دو عنصر ژئوپلیتیک و ایدئولوژی می‌دانند. عده‌ای از ضرورت تمرکز بر رویکرد تاریخی- ایدئولوژیک سخن می‌گویند و گروهی نیز صحبت از تعادل بین رویکرد ایدئولوژیک و عمل‌گرایانه می‌کنند. در مجموع از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون سیاست خارجی منطقه‌ای ایران ترکیبی از ملاحظات ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک، و عمل‌گرایانه بوده و سه مولفه‌ی دولت- ملت، هویت ژئوپلیتیک و ایدئولوژی شیعی در منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران دارای اهمیت هستند.

با روی کار آمدن دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه، رهیافت ترکیه در خاورمیانه تغییر کرد و بر اساس راهبرد تبدیل شدن به بازیگر پیشرو در منطقه، گفتمان اسلام سیاسی و سیاست خارجی اقتصاد محور به جای دیدگاه سنتی امنیت محور کمالیستی شکل گرفت. همچنین آنکارا پیروی از راهبرد «به صفر رساندن مشکلات» با کشورهای همسایه از جمله ایران را در دستور کار خود قرار داد. ایران نیز با خرسندی از حاکمیت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، برای بسط و گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بر اساس زمینه‌های مشترک جدید و با مبنا قرار دادن جهت‌گیری عمل‌گرایانه تلاش کرده

است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدی، حمید؛ قربانی، فهیمه، (۱۳۹۳)، تاثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره سوم، صص ۴۴-۷.
- اکرمی‌نیا، محمد، (۱۳۹۲)، راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره شصت، صص ۶۰-۳۳.
- ابهر، فاطمه، (۱۳۹۰)، قدرت‌یابی اسلام سیاسی در ترکیه و تاثیر آن بر روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.
- افشون، تورج، (۱۳۸۱)، روابط ترکیه و اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر دهه ۱۹۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره پنجم.
- براتی، لایلا؛ سینایی، وحید؛ فاطمی نژاد، سید احمد، (۱۳۹۶)، پیوستگی امنیتی و بحران‌گریزی در روابط ایران و ترکیه، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال پنجم، شماره دوم، صص ۳۷-۲۰.
- جعفری، اصغر؛ سلامتی، اعظم، (۱۳۹۲)، بررسی عملکرد حزب عدالت و توسعه بر روابط دوجانبه و منطقه‌ای ترکیه و ایران (۲۰۱۲-۲۰۰۳)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره چهارم، شماره شانزدهم، صص ۶۹-۴۰.
- خیری، مصطفی؛ یزدانی، عنایت‌الله؛ امیدی، علی، (۱۳۹۵)، مسئله کردها و روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۱۶)، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره هفتم، شماره چهارم، صص ۱۰۹-۸۰.
- خالقی بایگی، عزیز؛ رجائی‌پور، مصطفی؛ احمري، حسین، (۱۳۹۸)، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در آیات ۲۷۹ بقره، ۱۴۱ نساء و ۸۳ قصص، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، دوره شانزدهم، شماره سی، صص ۱۷۹-۱۵۵.
- رشنو، نبی‌الله، (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات آوای دانش گستر.
- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: قابلیت‌ها و امکان تغییر، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، صص ۴۰-۲۱.
- شهبازی، سهند؛ مسعودنیا، حسین؛ گودرزی، مهناز، (۱۳۹۸)، تاثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره نهم، شماره یکم، صص

۱۶۵-۱۸۹.

- شجاعی، هادی، (۱۳۸۹)، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۳.
- عسگریان، محسن؛ امینیان جزئی، بهادر؛ توتونچی، عباسعلی، (۱۳۹۱)، تحلیل تئوریک جایگاه انواع دیپلماسی اجبارآمیز در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (بر اساس تئوری سازه انگاری)، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره یکم.
- علوی، سمانه، (۱۳۹۵)، ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سند چشم انداز بیست ساله و سیاست های کلی نظام (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- غائبی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی‌ام، شماره دوم، صص ۸۵-۱۱۳.
- غرایق‌زندی، داوود، (۱۳۹۲)، اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قاسمی، حاکم؛ حسن زاده، آرام، (۱۳۹۳)، آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات خاورمیانه: ادامه همکاری اقتصادی در سایه رقابت‌های سیاسی، دوفصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره سوم، شماره ششم، صص ۱۱۱-۱۴۴.
- گوگمان‌چتین، سایار، (۱۳۸۵)، ریشه‌های تاریخی روابط ایران و ترکیه، نشریه مطالعات خاورمیانه، دوره سیزدهم، شماره دوم، صص ۱۱۹-۱۴۴.
- مختاری، بهروز؛ منتظری، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، بررسی الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره پنجاه و دوم و سوم، صص ۱۶۹-۲۱۸.
- عبدالله، عبدالمطلب؛ ولی زاده میدانی، رامین؛ پیروزفر، مهدی، (۱۳۹۷)، بررسی رفتار سیاست خارجی حزب حاکم ترکیه در قبال جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ششم، شماره دوم؛